



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

کووید-۱۹ و رویکردی نوین به کارآفرینی در رشته علوم تربیتی

چکیده:

امروزه کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از مهم‌ترین راه‌های پیشرفت اقتصادی کشورها و حتی عامل حیات و بقا آنها به حساب می‌آید؛ در واقع به‌عنوان بارزترین پیامد عدم وجود کارآفرینی در حیطه هر دانش، می‌توان به عدم امکان اشتغال‌زایی برای تمام محصلان و متخصصان آن حیطه اشاره کرد، که این خود تأثیر بسیاری بر افزایش آسیب‌های اجتماعی خواهد گذاشت. با وجود اینکه در کشور ایران در زمینه‌های فنی، کارآفرینی کارنامه نسبتاً موفق داشته است، اما در حیطه علوم انسانی، مخصوصاً رشته علوم تربیتی نمی‌توان موفقیت‌های قابل توجهی را مشاهده کرد و این یعنی فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی بیشتر در معرض آسیب‌های ناشی از عدم وجود کارآفرینی در زمینه دانش و تخصص خود هستند؛ پژوهش حاضر قصد دارد برای ریشه‌یابی و حل این مشکل به ارائه راهکارهای موثر بپردازد. پارادایم پژوهش حاضر کیفی می‌باشد و گردآوری داده‌ها به شکل مطالعه اسنادی و تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری-تجربیدی بوده که به صورت تحلیل محتوای متن و ارائه نظریه جدید انجام گرفته است. در پی ورود بیماری کووید-۱۹ به زندگی بشر موجب شد که در سیستم آموزشی تغییراتی اجباری صورت بگیرد که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تأثیرات آن، می‌توان به گوشزد ضرورت کسب دانش مربوط به آموزش دادن به صورت مجازی اشاره نمود. حاصل پژوهش حاضر بیانگر این مطلب است که بجای نگاه به رشته علوم تربیتی به‌عنوان یک مجری آموزشی، می‌توان به‌عنوان یک خالق آموزشی به آن توجه کرد؛ و در واقع یک متخصص علوم تربیتی می‌تواند در همه جای بطن جامعه و همه مشاغل حضور فعال و مؤثر داشته باشد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، علوم تربیتی، کووید-۱۹، نوآوری.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه:

امروزه کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از مهم‌ترین راه‌های پیشرفت اقتصادی کشورها به حساب می‌آید و حتی به نوعی می‌توان گفت که در جهان امروز حیات و بقا کشورها نیازمند نوآوری و خلق محصولات و خدمات جدید می‌باشد؛ باید توجه داشت که اولین و بارزترین مشخصه عدم وجود کارآفرینی در یک حوزه، بیکار بودن متخصصین آن حوزه می‌باشد که در خصوص پیامدهای بیکاری عباسی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیمی بین بیکاری و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که وجود کارآفرینی می‌تواند بخش زیادی از آسیب‌های اجتماعی را کاهش بدهد. به بیان حلاج یوسفی و همکارانشان (۱۳۹۰) اکثر مطالعات و اقداماتی که در زمینه کارآفرینی در کشورمان انجام شده است، در زمینه‌های فنی و مهندسی و پزشکی بوده است و توجه اندکی به امر کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی شده است، در نتیجه فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی با فرصت‌های شغلی کمتری در بازار روبه‌رو هستند. از سویی ورود بیماری کووید-۱۹ به عرصه زندگی بشر فارغ از مشکلاتی که به وجود آورد، توانست در خصوص کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی، خاصاً رشته علوم تربیتی افقی نوین به وجود آورد و نویدبخش باز شدن درهای جدید بر روی متخصصین این رشته برای ورود به عرصه‌های دیگر علمی و اجتماعی باشد. با وجود اینکه در خصوص کارآفرینی در رشته علوم تربیتی مطالعات و اقداماتی هرچند اندک صورت گرفته است، اما به دلیل نگاه محدودشان به دایره توانایی‌های این دانش، چندان موفقیتی نداشته‌اند، اما در پژوهش حاضر تکیه بر شکستن مرزهای محدودکننده دانش رشته علوم تربیتی در نگاه محصلان این حوزه و دولت می‌باشد. در واقع کارآفرینی آمد تا محدودیت‌ها را بردارد، اما فقط محدوده‌ی آن افزایش یافته، ولی هنوز محدود است. نهایتاً پژوهش حاضر قصد دارد رویکرد کارآفرینانه نامحدود را معرفی نماید.

۱-۱. کارآفرینی

کارآفرینی در نیم قرن اخیر در جهان غرب و در چند سال اخیر در ایران رواج یافته است. کارآفرینی رویکرد نوینی به سازندگی، ایجاد کسب‌وکار، خلاقیت، نوآوری و توسعه پایدار ملی است که توجه ویژه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، رشته‌های مهندسی، مدیریت بازرگانی و اقتصاد را به خود معطوف داشته است. به گفته لطفی (۱۳۸۷) اولین کشورهایی که در زمینه‌ی توجه به کارآفرینی اقدام کرده و به ترتیب قدم جلو گذاشته‌اند آلمان، انگلیس و آمریکا بوده‌اند.

در واقع باتوجه به رشد جمعیت محصل در جامعه و عدم توانایی دولت جهت فراهم آوردن شغل رسمی برای آن‌ها موضوع کارآفرینی به‌عنوان یک امر و یا شاید فعلاً تنها راه برون‌رفت از معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان جوان و همچنین کمک به رشد جامعه مطرح می‌باشد. در همین راستا احمدزاده (۱۳۸۴) بیان می‌دارد که معضل بیکاری جوانان و به‌خصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی موجب شد تا کارآفرینی در سیاست‌های علمی و اقتصادی جایی داشته باشد.

در یک اقتصاد پویا، ایده‌ها، محصولات و خدمات آموزشی همواره در حال تغییر هستند و در این میان، این کارآفرین آموزشی است که الگویی برای مقابله و سازگاری با شرایط جدید را به ارمان می‌آورد؛ به عبارتی دیگر، جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، حرکت روبه‌جلو و با شتابی داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آن‌ها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع جامعه و سازمان را به‌سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند. (قرونه و ثنائی پور، ۱۳۹۶).

بادآورنهنندی و زارعی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که دانشجویان متمایل به کارآفرینی در مقایسه با دانشجویانی که میل کمتری به کارآفرینی دارند، نوآورتر، دارای میل به موفقیت یا توفیق طلبی بیشتر، ریسک‌پذیرتر، و استقلال‌پذیرتر هستند.

۱-۲. کارآفرینی در علوم تربیتی

باید توجه داشت که عدم فراهم بودن شرایط در راستای به‌کارگیری توانایی‌های خود علاوه بر آسیب‌های ظاهری مثل معضل بیکاری، آسیب‌های نهان فراوان دیگری را هم به دنبال دارد از جمله: احساس بی‌فایده بودن، عدم توانایی تشکیل زندگی مستقل و سرخوردگی‌های اجتماعی که حتی در حالت بدتر ممکن است به ناهنجاری‌های اجتماعی هم منجر گردد که در تأیید این موضوع



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

عباسی نژاد و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه مستقیمی بین بیکاری و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد.

با این وجود به عقیده صفری و همکارانشان (۱۳۹۱) دانشجویان به هیچ وجه دانش و مهارت‌های کارآفرینی و کسب و کار را برای ورود به بازار کار نمی‌آموزند و بنابراین فاقد مهارت‌های لازم جهت انجام مشاغل گوناگون می‌باشند.

به بیان حلاج یوسفی و همکارانشان (۱۳۹۰) اکثر کارآفرینی‌هایی که در کشورمان انجام شده است، در زمینه‌های فنی و مهندسی و پزشکی بوده است و توجه اندکی در کشورمان به امر کارآفرینی در زمینه‌ی رشته‌های علوم انسانی شده است؛ و در همین راستا گودرزی و همکارانشان (۱۳۹۷) بیان می‌دارند که طبق آمار بنیاد ملی علوم آمریکا (NSF)، رشته علوم انسانی با استقبال ۸۰ درصدی از سوی جوانان این کشور روبه‌روست. این در حالی است که در ایران طبق آمار سازمان سنجش، سال گذشته رشته تجربی با استقبال ۶۰ درصدی، در صدر قرار داشت که این موضوعی چالش برانگیز در نظام آموزش عالی کشور ماست. یکی از راه‌حل‌های تغییر مسیر توجه جامعه به سوی رشته‌های علوم انسانی که اساس و پایه کشور را شکل می‌دهند، توسعه کارآفرینی دانشگاهی این رشته است. فلذا می‌توان نتیجه گرفت که ترویج فرهنگ کارآفرینی در بین دانش‌آموختگان علوم تربیتی یک ضرورت جدی است.

همچنین یداللهی فارسی (۱۳۸۸) یکی از موانع کارآفرینی در علوم تربیتی را اینگونه بیان می‌کند که دانشجویان رشته علوم تربیتی از فرایند کارآفرینی اطلاعات و آگاهی کمی دارند و مهارت‌های لازم برای ایجاد کسب و کار را ندارند و در تکمیل این موضوع شجاعتی و همکارانش (۱۳۹۸) معتقدند که نظام آموزش عالی ایران بجای کارآفرین پرور بودن، کارجو پرور است؛ و ضمناً به یادگیری عملیاتی و خلاقانه موضوعات درسی توجهی ندارد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان رشته علوم تربیتی اکثراً فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب و جایابی مناسب و حرفه‌ای متناسب با تخصص دانشگاهی در بازار کار می‌باشند؛ البته موضوع دیگری هم که در این میان باید به آن توجه کرد به گفته حلاج یوسفی و همکارانشان (۱۳۹۰) دخالت دانش‌آموختگان رشته‌های غیر علوم انسانی در پژوهش‌ها و مراکز آموزشی، پژوهشی و اجرایی مرتبط به علوم انسانی، ضمن محدود ساختن فرصت‌های شغلی و مدیریتی برای دانش‌آموختگان علوم انسانی، از مهم‌ترین موانع اثربخشی علوم انسانی در فرایند توسعه است.

بر اساس یافته‌های پژوهش گودرزی و همکاران (۱۳۹۷) نقش دولت، زیرساخت آموزشی، فرهنگ کارآفرینی، تحقیق و تجاری‌سازی، زیرساخت دانشگاه، زیرساخت مالی، و ارتباطات دانشگاه، هفت بعد توسعه کارآفرینی دانشگاهی در علوم انسانی هستند. بر اساس بررسی‌های انجام شده توسط هنری و همکاران محتوای دوره‌های کارآفرینی بیشتر بر چهار حوزه متمرکز است:

- دانش و اطلاعات (در مورد تعاریف، اصول، نظریه‌ها و خصوصیات کارآفرینان)
- مهارت‌های مدیریت کسب و کار
- مهارت‌های شخصی کارآفرینانه (مانند فرصت‌سازی، خلاقیت و نوآوری و ...)
- مهارت‌های عمومی (مانند مهارت‌های ارتباطی، قدرت رایزنی و ...). (شجاعتی و همکاران، ۱۳۹۸).

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که در خصوص کارآفرینی در رشته علوم تربیتی، با وجود اینکه پژوهش‌ها و اقدامات هرچند اندکی صورت گرفته است، اما به دلیل اینکه دانش این حوزه علمی را خیلی محدود در نظر می‌گیرند، شاهد حاصل شدن توفیق چندانی نبوده‌ایم.

۱-۳. کووید-۱۹ و آموزش مجازی و علوم تربیتی

امروزه استفاده از تکنولوژی، بخش جداناپذیر زندگی اکثریت قریب به اتفاق جوامع بشری می‌باشد. مطمئناً این تکنولوژی که خود محصول گسترش دانش بشر بوده است نمی‌تواند در انتقال دانش سهیم نباشد. (شعبانی و محمودی، ۱۳۹۸).

مولاتی قولنجی (۱۳۹۹) معتقد است قابلیت‌های بستر فضای مجازی برای تعلیم و تربیت کمک می‌کنند تا ساختارهای خود را همگام با تحولات زمان توسعه دهیم؛ در همین خصوص کیا (۱۳۸۸) نیز بیان می‌دارد که دانشگاه‌های سنتی ناگزیر به سازگاری با سیر تحولات و تغییرات جدید هستند. در محیط جدید، نقش مربیان و اساتید عوض خواهد شد. آن‌ها بیشتر نقش تسهیل‌گر و مربی یا طراحان آموزشی را ایفا خواهند کرد.

به‌طور کلی جامعه‌ی امروز به انعطاف، پویایی و خلاقیت نیاز دارد و این نیازها را نظام آموزشی باید از طریق ایجاد فرصت‌های مناسب برای نوآوری، تعامل، اندیشه‌ورزی، مشکل‌گشایی و چالش با مسائل و مشکلات پیچیده‌ی دنیای کنونی برآورده سازد (حدادیان،



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱۳۹۰؛ پس نظام آموزش مجازی مستلزم آمادگی در زمینه‌های مختلف است؛ یکی از منابع استراتژیک و کلیدی نظام آموزش مجازی، نیروهای انسانی هستند که باید از دانش، مهارت و نگرش خاصی برخوردار باشند (نصیری، ۱۳۸۴). با تعطیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در پی شیوع بیماری کرونا آموزش‌های مجازی اهمیت دوچندانی در سراسر جهان پیدا کرده و وارد عرصه آموزش‌های رسمی مدارس و دانشگاه‌ها و جایگزین تدریس و تحصیل دانشگاهی شد، در واقع آموزش مجازی در دوران کرونا تلنگر مهمی برای معلمان و اساتیدی که تسلط کافی به استفاده از تکنولوژی آموزشی نداشتند بود تا مهارت‌ها و اطلاعات خود را با فناوری‌های آموزش، تحول‌های جهانی به‌روز ساخته و با تولید محتوا بتوانند محتوای آموزشی را به‌صورت متنوع در اختیار فراگیران قرار دهند؛ در واقع شیوع بیماری کووید-۱۹ در عرض زمان کوتاهی نگاه جهانی به آموزش و اشتغال را تغییر داد و فرصتی برای یادآوری نیاز داشتن به مهارت‌های لازم محصلان مخصوصاً در رشته علوم تربیتی برای موفقیت در آینده شغلی‌شان گردید، و به گفته‌ی آغاز و شهیدی (۱۳۹۹) رواج یافتن آموزش‌های مجازی، نیاز به ایجاد نگاهی نو کاربردی به فرایند آموزش است، در واقع کرونا را می‌توان ایجادکننده‌ی یک فرصت اجباری قلمداد کرد؛ در همین خصوص اعتدادی و همکارانشان (۱۳۹۹) نیز معتقدند که بیماری کووید-۱۹ تبدیل به یک کاتالیزور برای مؤسسات آموزشی در سراسر جهان جهت جست‌وجوی راه‌حل‌های نوآورانه در یک دوره نسبتاً کوتاه شده است.

البته در خصوص نظام آموزش مجازی انتقاداتی نیز وجود دارد که بیان چند نمونه این نظرات شاید خالی از لطف نباشد. یافته‌های پژوهش قلی‌پور (۱۳۹۹) در خصوص چالش‌های آموزش مجازی در حوزه آموزش و پرورش به موارد زیر اشاره می‌کند:

ضعف زیرساختی در آموزش مجازی

عدم وجود نظم در آموزش مجازی

عدم بروز خلاقیت در آموزش مجازی

عدم وجود ارزشیابی صحیح در آموزش مجازی

عدم رشد مهارت‌های اجتماعی در آموزش مجازی.

در مطالعه‌ای که توسط کیان (۱۳۹۳) انجام گرفت نتایج پژوهش نشان داد فضای مجازی با وجود گسترده کردن زمینه اطلاعاتی کاربران در پرورش مهارت‌های دانشگاهی نظیر خلاقیت و حل مسئله و نوآوری چندان موفق نیست.

۲- روش‌شناسی:

گردآوری داده‌ها با توجه به ماهیت کیفی پژوهش به‌صورت باز و به شکل مطالعه اسنادی انجام پذیرفت. جامعه آماری پژوهش شامل اسناد و مدارک موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی قابل‌دسترس پژوهشگران در حوزه چالش‌های موجود در تحقق رویکرد کارآفرینانه در رشته‌ی علوم تربیتی و همچنین جایگاه آموزش‌های مجازی در دوران کووید-۱۹ بود. تحلیل داده‌ها با رویکرد تفسیری-تجزیه‌ای بود که با استفاده از تحلیل محتوای متن و بیان نظریه جدید انجام گرفت. این پژوهش با تأکید بر مفهوم کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی با هدف غلبه بر موانع از طریق بینشی نوین به این مهم به رفع چالش‌های موجود بر سر راه اجرای کارآفرینی در رشته علوم تربیتی در ابعاد ساختاری و آموزشی به‌گونه‌ای اثربخش ابتدا مفهوم کارآفرینی از دیدگاه‌های مختلف را بررسی، سپس به بیان چالش‌های موجود در تحقق کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی پرداخته و در ادامه با بررسی نقش آموزش‌های مجازی بر روی سیستم آموزشی در دوران بیماری کووید-۱۹ به ارائه بینشی نوین به حوزه کارآفرینی در رشته علوم تربیتی پرداخته است.

۳- بحث درباره یافته‌ها:

۳-۱. نگاهی نوین به کارآفرینی در علوم تربیتی

قبل از هر چیز باید بدانیم که اگر به دنبال پیدا کردن راه‌حل مناسب برای مسائل دنیای صنعتی در حال توسعه هستیم، به محصلان و متخصصان خلاق محتاجیم؛ و کارآفرینی با هدف شکستن مرزهای هر دانش و تخصص اقدامی در راستای گشودن درهای خلاقیت و نوآوری به روی متخصصان هر دانش و تخصص بوده که باوجود موفقیت در تخصص‌های فنی، در رشته‌های علمی علوم انسانی و مخصوصاً علوم تربیتی به موفقیت قابل قبولی دست نیافته است و این ما را متوجه این امر می‌کند که کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی روش‌های خاص خود را می‌طلبد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

باید توجه داشت که اگر قرار است در رشته علوم تربیتی نه تنها به جهت اشتغال زایی، بلکه حتی برای دستیابی به رشد در سایر زمینه‌های زندگی بشریت شاهد موفقیتی بود، قبل از هر چیز باید نگاه به این دانش را در منگنه محدودیت قرار نداده و به اهمیت حضور این دانش در سایر زمینه‌ها نیز پی برد.

درواقع غالب دیدگاه‌ها در خصوص رشته‌ی علوم تربیتی حتی از نگاه پژوهشگران و فعالان حوزه کارآفرینی در این رشته علمی، به صورت منفعلانه بوده، یعنی به نوعی وظیفه یک محصل و متخصص این رشته علمی را صرفاً اجرا کردن طرح‌های از پیش تولید شده می‌دانند؛ به عنوان مثال یک متخصص فنی، قطعات رباتیک می‌سازد و یک متخصص علوم تربیتی فقط آن را جهت آموزش استفاده می‌کند، در حالیکه چه کسی بهتر از یک کارشناس علوم تربیتی می‌تواند به بهترین شکل مواد اولیه آموزش خود را تولید کند.

با وجود مطالب فوق، در پی ورود بیماری کووید-۱۹ به زندگی بشر و شروع آموزش‌های مجازی به صورت گسترده در سطح جهان و مخصوصاً ایران موجب شد که در سیستم آموزشی تغییراتی اجباری و مبنایی صورت بگیرد که البته در اجرای طرح آموزش مجازی در ایران عملاً شاهد وجود برخی اشکالات در این سیستم بودیم، که به جرئت می‌توان گفت که دلیلش این بود که یک متخصص و کارشناس آموزشی آن را طراحی نکرده بود، البته این هم به دلیل عدم پیش‌بینی این اتفاق غیرمنتظره بود، که البته با این تلنگر همه‌ی مسئولین کشوری و مخصوصاً فعالین حوزه رشته علوم تربیتی باید بیدار شده باشند و این دایره محدودی که دور رشته علوم تربیتی کشیده شده است را بردارند و آن را به چند سرفصل نظری محدود نکنند و شروعی برای ورود فعال رشته علوم تربیتی به سایر عرصه‌های علمی و عملی باشد.

با وجود اینکه در نظر می‌دانیم که رشته علوم تربیتی رشته مادر است، اما در عمل به آن باور نداشته‌ایم؛ در واقع اگر می‌خواهیم کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی را به صورت فعال معرفی کرد، باید قبل از هر چیز به ارزش والای این زمینه علمی پی برد؛ و با این شناخت است که اعتماد به نفس لازم جهت حضور فعالانه در جهت تولید مواد و ابزار علمی برای متخصصین این رشته حاصل می‌گردد تا علاوه بر ایجاد کارآفرینی واقعی در این رشته به بهبود هرچه بهتر مواد آموزشی برای کودکان نیز کمک کرد.

چه کسی بهتر از یک کارشناس علوم تربیتی می‌تواند یک بازی آموزشی سالم طراحی کند؛ و یا یک انیمیشن جذاب و آموزنده برای کودکان تهیه نماید و یا یک کارخانه تولید اسباب‌بازی موفق راه‌اندازی کند.

امید است که پژوهش حاضر به عنوان اولین قدم در راستای گشودن این نگاه نوین به کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی، آغازکننده عملکردهای مؤثرتری در خصوص موفقیت‌های بیشتر محصلان و متخصصان این رشته و کمک به رشد همه جانبه کل جامعه باشد. همچنین دادن این افق دید که پژوهش‌های آتی در زمینه کارآفرینی به شکستن مرزها و قالب‌های قبلی، به عنوان اولین اصل توجه داشته باشند.

۴- نتیجه گیری:

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته معلوم گشت که در زمینه‌ی کارآفرینی در مجموع مطالعات زیادی صورت گرفته و تصمیماتی هم اتخاذ گردیده است، اما این مهم در عرصه‌ی علوم انسانی مخصوصاً رشته علوم تربیتی کمتر مورد توجه بوده و در بیشتر پژوهش‌ها در این حیطه‌ها به کارآفرینی به عنوان یک مقوله نظری و داخل قالب، و با نگاه از بیرون به درون بوده و جنبه‌ی کاربردی کارآفرینی در این رشته را کامل مورد توجه قرار نداده‌اند، اما در پژوهش حاضر با نگاه از درون به بیرون و خارج از قالب به مقوله کارآفرینی مخصوصاً در رشته‌ی علوم تربیتی سعی کردیم بینشی نو به کارآفرینی را پیشروی محصلان و متخصصان این رشته قرار بدهیم. در بررسی عملکرد جامعه در راستای توجه به کارآفرینی در رشته علوم تربیتی نیز روشن گردید که نظام متداول آموزش عالی کشور ضمن ارائه آموزش‌های نظری و نپرداختن مطلوب به آموزش‌های عملی در خصوص کارآفرینی، نتوانسته است فارغ‌التحصیلان کارآمد و مورد نیاز بازار کار خارج از اداره آموزش و پرورش را تربیت کند. در واقع کارآفرینی آمد که محدودیت‌ها را بردارد، اما در عمل فقط محدودی آن کمی وسیع تر گشته و هنوز محدود است. بنابراین در نهایت، حاصل پژوهش حاضر بیانگر این مطلب است که بجای نگاه به رشته علوم تربیتی به عنوان یک مجری آموزشی، می‌توانیم به عنوان یک خالق آموزشی به آن توجه کنیم؛ و در واقع یک محصل و متخصص علوم تربیتی می‌تواند در همه جای بطن جامعه و همه مشاغل حضور فعال و بسیار مؤثر داشته باشد.

منابع و مراجع:



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

- احمدزاده، نسرين (۱۳۸۴). بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ‌التحصیلان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه تهران.
- اعتدادی، محمد، سخایی، غلامحسین، پوررجب، معصومه، کیانی، مهدی. (۱۳۹۹). اجرای طرح آموزش و یادگیری آنلاین در مدارس استان اصفهان در دوران شیوع بیماری کووید-۱۹. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری. دوره ۵، شماره ۴۴، ۲۴-۱۲.
- بادآور نهندي، یونس، زارعی، مصطفی. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. نشریه مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت). سال ۵، شماره ۲۰، ۷۹-۱۰۰.
- حدادیان، احمد. (۱۳۹۰). ارزیابی وضعیت آموزش الکترونیکی کشور در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. شماره ۴، ۱۲۵-۱۰۶.
- حلاج یوسفی، محمدرضا، نیکی اسفهلان، حکیمه، خلیل زاده، جواد. (۱۳۹۰). کارآفرینی در علوم انسانی. کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون، جهاد اقتصادی.
- شجاعی، عبدالعارف، عارفی، محبوبه، فتحی واجارگاه، کورش، شمس مورکانی، غلامرضا. (۱۳۹۸). طراحی الگوی شایستگی‌های برنامه درسی کارآفرین محور در رشته علوم تربیتی. فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری. دوره ۱۱، شماره ۱، ۷۷-۸۸.
- شعبانی، ساسان، محمودی، مهدی. (۱۳۹۸). آموزش مجازی؛ مزایا و محدودیت‌ها؛ فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۴۵، ۴۸-۲۹.
- صفری، سعید، سمیع زاده، مهدی. (۱۳۹۱). نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش. سال ۷، جلد ۷، شماره ۱.
- عباسی نژاد، حسین، رمضانی، هادی، صادقی، مینا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استان. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. سال ۲۰، شماره ۶۴، ۸۶-۶۵.
- قرونه، داود، ثنائی پور، فاطمه. (۱۳۹۶). کارآفرینی آموزشی؛ رویکردی نوین در رشته علوم تربیتی. کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱.
- قلی‌پور، نفیسه. (۱۳۹۹). تعلیم و تربیت مجازی و چالش‌های عصر حاضر. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۵۱، ۶۸-۵۷.
- کیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک). ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۲۴، ۸۹-۸۲.
- کیان، مریم. (۱۳۹۳). چالش‌های آموزش مجازی: روایت آنچه در دانشگاه آموخته نمی‌شود. مجله میان‌رشته‌ای آموزش مجازی در علوم پزشکی. دوره ۵، شماره ۳.
- گودرزی، ریحانه، حسینی، سید رسول، طبائیان، سید کمال. (۱۳۹۷). چارچوبی برای توسعه کارآفرینی دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی در ایران. توسعه کارآفرینی. دوره ۱۱، شماره ۴، ۶۷۹-۶۶۱.
- لطفی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). کارآفرینی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی. روزنامه جهان صنعت. ۱۳۸۷، ۸، ۲۱.
- محمدیاری یالقوز آغاچ، قاسم، شهیدی، سید حمید. (۱۳۹۹). کرونا و شکاف آموزشی. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۱۵، ۱۵۹-۱۲۵.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

مولائی فولنجی، یعقوب. (۱۳۹۹). بررسی چالش‌های آموزش مجازی و کرونا. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. شماره ۱۲، ۲۰۵-۱۹۱.

نصیری، فهیمه. (۱۳۸۴). عوامل زیربنایی در استقرار نظام آموزش مجازی. مجله پیک نور. دوره ۳، شماره ۲، ۱۲۵-۱۲۰.

یداللهی فارسی، جهانگیری، میرعرب رضی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی ارائه‌ی برنامه درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی. توسعه کارآفرینی. سال ۱، شماره ۳، ۸۰-۶۱.

A case study on technology entrepreneurship education at a Taiwanese research university Asia Pacific Management Review, Volume 22, Issue 4, December 2017, Page 202-211 Tommy shih. Yen-Yu Huang.